



سیلاب ۳ قربانی گرفت

بارش باران و جاری شدن سیلاب در ۲۴ استان کشور هم افزایش ذخایر آبی را به دنبال داشت و هم باعث بروز خسارت‌های مالی و جانی از جمله فوت سه شهروند شد.
بیر حسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال‌احمر گفت: هم‌زمان با بارش باران و جاری شدن سیلاب از ۲۳فروردین تا روز گذشته در ۲۴ استان کشور، امدادگران به حالت آماده‌باش درآمدند. شدت باران در هشت استان کشور از جمله استان آذربایجانی شرقی، آذربایجان غربی، کردستان، ایلام، کرمانشاه، جنوب‌غرب لرستان و شمال خوزستان خسارت‌های زیادی را به همراه داشت. در شهرستان مهران، زنی ۵۰ساله به دلیل سقوط به آب جانش را از دست داد. در شهرستان الموت استان قزوین هم زنی ۶۰ساله در سیلاب غرق شد و یک نفر نیز در شهرستان بوکان استان آذربایجان غربی در جریان سیلاب فوت شد. شدت سیلاب در برخی مناطق سبب تخلیه منازل شد. روستاهای چم‌گز در شهرستان پلدختر و کمندان شهرستان ازنا تخلیه و در اردوگاه‌های اضطراری مستقر شدند.

قاتل همسر سابق تحت تعقیب پلیس قرار گرفت

مردی که همسر سابقش راحوالی یکی از بیمارستان‌های غرب تهران به قتل رسانده بود، تحت تعقیب پلیس قرار گرفت .
به گزارش جوان، ساعت ۶صبح روز سه‌شنبه ۱۶اسفندماه سال گذشته به مأموران پلیس تهران خیر رسیدن جوانی در ابتدای بلوار آیت‌الله کاشانی در نزدیکی بیمارستانی با شلیک سه گلوله زخمی و راهی بیمارستان شده است.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری ۱۳۳شهرزیبای راهی محل شدند و دریافتهند لفظانی قبل زن زخمی که از کادر درمان بیمارستان است نزدیکی محل کارش داخل پیادهو، مردی راه او را سد می کند و در اقدامی هولناک سه تیر با کلت کمری به او شلیک و سپس به سرعت از محل فرار می کند.

■ شوهر سابق
مأموران پلیس در ادامه برای شناسایی ضارب، دوربین‌های مداربسته محل حادثهٔ امور بازبینی قرار دادند که مشخص شد عامل تیراندازی شوهر سابق زن زخمی است. بررسی‌ها نشان داد زن زخمی مدتی قبل به خاطر اختلاف خانوادگی از شوهرش جدا شده تا اینکه روز حادثه در نزدیکی محل کارش با شلیک گلوله شوهر سابقش زخمی می شود.

■ قتل

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت و تیمی از کارآگاهان پلیس امنیت پایگاه دوم در تلاش برای دستگیری عامل تیراندازی بودند، مسئولان بیمارستان اعلام می کنند زن جوان پس از مدتی دست و پنجه نرم کردن با مرگ در نهایت به اثر شدت خونریزی به کام مرگ رفته و تلاش تیم‌های پزشکی و عمل‌های جراحی برای نجات جانش نتیجه‌ای نداده است.

بدین ترتیب با اعلام خبر مرگ زن جوان، برنده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به دستور بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران برای بررسی حادثه وارد عمل شدند.

هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، کارآگاهان جنایی در تلاشند قاتل فراری را دستگیر و زوایای پنهان این حادثه را بر ملا کنند.

سارق آرایشگاه‌های زنانه گرفتار پلیس شد

زن سابقه‌دار که با دستبندیه از آرایشگاه‌های زنانه در غرب تهران اموال مشتريان را سرقت می کرد، بازداشت شد.
به گزارش جوان، سرهنگ محمد گودرزی، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: هم‌زمان با طرح شکایت‌های مشابه درباره سرقت از آرایشگاه‌های زنانه در کوی نصر واقع در غرب تهران مأموران پلیس در این باره تحقیق کردند.

بررسی‌های میدانی نشان داد سرقت‌ها از سوی زنی حدوداً ۳۵ساله در حال رقم خوردن است. مأموران پلیس در جریان بررسی‌های بیشتر موفق شدند متهم را شناسایی کنند. زن جوان از مجرمان سابقه‌دار بود که قبلاً به اتهام سرقت بازداشت و به زندان افتاده بود. با کامل شدن بررسی‌ها در این باره مأموران موفق شدند متهم را در مخفیگاهش بازداشت و در بازرسی از محل مقدار زیادی از اموال سرقت شده را کشف کنند. متهم گفت به خاطر نیاز مالی مرتکب سرقت می شده که بررسی‌های از وی جریان دارد.

■ غلامرضا مسکنی

عاشق تیم فوتبال تیسال پرسپولیس که از ۱۵سال قبل به اتهام قتل کارفرمایش در زندان بسر می‌برد، به شرط پرداخت دیه بخشیده می‌شود. متهم در گفت‌وگو با خبرنگار «جوان» از ترس سب‌های قصاص و امید دوباره‌اش به زندگی حرف زد.

فروردین‌ماه ۱۳۸۷ به مأموران پلیس تهران خبر رسید مرد میانسالی در محل کارش به طرز مرموزی فوت کرده‌است. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس راهی محل ود در کارگاه تولیدی باجسد مردی به نام سعید رویه‌رو شدند که آثار خفگی روی گردنش نمایان بود.مأموران در همان نزدیکی محل کشف جسدطنابی را پیدا کردند که حکایت از آن داشت مرد میانسال با همان طلب خفه شده است. از طرفی بررسی‌های میدانی نشان دادمقتول از مدتی قبل با یکی از کارگرانش به‌نام پیمان اختلاف و چند باری هم با او مشاجره لفظی داشته است. همچنین مأموران پلیس دریافتهند پیمان پس از حادثه از محل کارش به مکان نامعلومی گریخته‌است.

■ بازداشت

بدین ترتیب پیمان به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه مأموران چند هفته پس از حادثه موفق شدند وی را شناسایی و دستگیر کنند. پسو ۱۸ساله در اداره پلیس با اظهار پشیمانی به قتل کارفرمایش اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: «مدتی بود باسعید کار می‌کردم و او کارفرمای من بود. ابتدا مشکلی نداشتم تا اینکه کم کم به خاطر شرایط کاری با هم اختلاف پیدا کردیم. او معمولاً هر روز به کار من ایراد می‌گرفت تا اینکه روز حادثه با هم درگیر شدیم. من خیلی عصبانی شدم و طنابی دور گردنش انداختم و کشیدم. وقتی به خود امدم دیدم نفس نمی‌کند و بعد هم از ترس فرار کردم. نمی‌خواستم او را بکشم، اما ناخواسته دستم به خون کارفرمایم آلوده شد.»

■ قصاص

پسر نوجوان پس از اعتراف راهی کانون اصلاح و تربیت شد تا اینکه پرونده‌اش کامل و برای محاکمه به داد‌گاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم در داد‌گاه به قتل اعتراف کرد و از اولیای دم در خواست بخشش کرد، اما اولیای دم برای قاتل درخواست قصاص کردند. هیئت قضایی پس از شنیدن اظهارات متهم و دفاعیات وکیلش عمل پیمان را قتل عمد تشخیص داد و وی را به قصاص محکوم کرد.

■ ۱۵سال بعد

رای دادگاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه چهارم

حوادث

سرویس حوادث۸۸۴۹۸۴۳۵

هوادار پرسپولیس به شرط پرداخت دیه بخشیده می‌شود

و خیران درخواست می‌شود برای جمع‌آوری

دیه این زندانی کمک‌های نقدی خود را به برده است دربارہ رنج‌ها، سختی‌ها و امید و زندگی در زندان با خبرنگار ما گفت‌وگو کرد و از هموطنان خواست برای راهیایی از بند و نتاجش از طناب دار به او کمک کنند.

■ گفت‌وگو با متهم

متهم که الان ۳۳سال سن دارد و نیمی از عمر خود را (۱۵سال) پشت میله‌های زندان بسر برده است درباره رنج‌ها، سختی‌ها و امید و زندگی در زندان با خبرنگار ما گفت‌وگو کرد و از هموطنان خواست برای راهیایی از بند و نتاجش از طناب دار به او کمک کنند.

■ پیمان کجای زندانی هستی؟

زندان جایی‌شهر کرج، همانجایی که قاتلان را در آنجا نگهداری می‌کنند.

■ چه شد که قاتل شدی؟

یک اشتباه و شاید هم یک لحظه عصبانیت و کنترل نکردن خشم باعث شد بهترین دوران زندگی‌ام را پشت میله‌های زندان باشم. یک روز با کارفرمایم سر مسائل کاری دعوایم شد و از آن روز به بعد با هم اختلاف پیدا کردیم. او مدام از کارم ایراد می‌گرفت، روز حادثه هم بعدی که خیلی خوشحال می‌شدم وقتی بود و وقتی به خود امدم دیدم فوت کرده است و دیگر کاری از دستم ساخته نبود. جز فرار از محل حادثه و بعد هم خیلی زود دستگیر شدم. الان ۱۵سال است پشت میله‌های زندان در انتظار چوبه دار هستم. البته اولیای دم اعلام کرده‌اند به شرط پرداخت دیه مرا می‌بخشند و واقعا نمی‌دانم به من بخشیدند، اما واقعیتش این است که من بولی برای پرداخت دیه ندارم و چشم امیدم به دستان پرهمر مرد و خیران است که به من کمک کنند تا از طناب دار فاصله بگیرم و آزاد شوم.

■ پدر و مادرت کمک نمی‌کنند؟

وقتی به عنوان قاتل دستگیر شدم تمامی اعضای خانواده‌ام با من فسر و در واقع مرا رها کردند. آنها آخرت من را نزارند و عصبانی شدند که حتی در این مدت به ملاقاتم هم نیامدند. فقط مادرم گاهی پنهانی از پدرم دیگر اعضای خانواده‌ام به ملاقاتم می‌آمد که او هم چند سال قبل فوت کرد و من در این دنیا تنها شدم. الان از پدرم و دیگر اعضای خانواده‌ام خبری ندارم که انتظار داشته باشم به من کمک کنند.

■ از زندان ترغیب کن؟

زندان تماشش سختی و لحظه‌هایش همه تلخ است. همیشه در انتظار چوبه دار بودم و هیچ شیبی با آرامش نخواستیم. هر زمانی هم سلولی‌هایم را برای اجرای حکم به نظرینیه

می‌برند ناامیدی به سراغم می‌آمد و می‌گفتم نفر بعدی من هستم و شب کابوس می‌دیدم و زجر می‌کشیدم. خیلی از هم‌سلولی‌هایم نتوانستند از اولیای دم رضایت بگیرند و قصاص شدند و من هم شب‌ها برای خودم و آنها گریه می‌کردم. به هر حال ۱۵سال با تمامی سختی‌ها و رنج‌هایش گذشت و الان در انتظار دستان پرهمر هموطنانم هستم.

■ یعنی در این مدت هیچ کاری انجام نداده‌ی که شادی و نشاط به همراه داشته باشد؟

معنی کلمه زندان و زندانی از اسمش معلوم است که در آن خوشی و شادی نیست، چون خلافی مرتکب شده‌ای که باید تاولش را بدهی. البته لحظات شادی هم داشتم و کارهای خوبی نیز انجام دادم، مثلاً توبه کردم و به خدا پناه بردم و در این مدت تا سیکل درس خواندم و می‌خواهم ادامه تحصیل هم بدهم، چون زمانی که دستگیر شدم بیسواد بودم. از همه مهم‌تر عضو دارالقرآن زندان هستم و در این مدت چند جزء قرآن را حفظ کرده‌ام و فکر می‌کنم خدا هم به همین خاطر خیلی به من کمک کرد. موضوع بعدی که خیلی خوشحال می‌شدم وقتی بود که متهمی پاهی چوبه دار بخشیده می‌شد، شاید آن روز بهترین روز زندانی‌ها باشد. من علاوه بر این علاقه زیادی به فوتبال دارم و طرفدار پرسپولیس هستم و در زندان تمامی بازی‌های پرسپولیس را تماشا می‌کنم و زمانی که برنده می‌شود، واقعا خوشحال می‌شوم.

■ در این مدت بدترین خاطرات از زندان چه بود؟

بدترین خاطره‌ام زمانی بود که از طریق اخبار متوجه شدم علی انصاریان فوتبالیست مورد علاقه‌ام به خاطر کرونا در بیمارستان فوت کرده است. وقتی بستری شد خیلی برای او دعا کردم و حتی روزها برای سلامتی‌اش روزه گرفتم، اما وقتی خبر فوتش را شنیدم فقط گریه کردم و الان هم هنوز به یادش گریه می‌کنم، چون او را خیلی دوست داشتم.

■ پس از آزادی برای زندگی‌ات چه تصمیمی گرفته‌ای؟

وقتی آزاد شوم اولین جایی که می‌روم، بهشت زهراست. می‌خواهم سرسرمزاد مدرم، مقول و علی انصاریان بروم و یک دل سیر گریه کنم و از آنها بخوامم برام دعا کنند. بعد از آن به سراغ پدرم و خانواده‌ام می‌روم و امیدوارم مرا ببخشند و قبول کنند. اما برنامه زندگی‌ام این است که ابتدا کار پیدا کنم و بعد از آن ازدواج کنم و تشکیل خانواده بدهم و پدر شوم و بتوانم برای فرزندم پدری کنم.

کار آگاه‌بازی زن همسایه‌را از حمل جسد رابر ملا کرد

بلافاصله روی آن را پوشاند و به سرعت به طرف خودرویش سرد و داخل صندوق عقب گذاشت. همان لحظه متوجه شدم داخل پتو یک جسد است که پسر جوان به صورت مخفیانه قصد دارد آن را به مکان نامعلومی انتقال دهد، به همین خاطر تصمیم گرفتم موضوع را به پلیس خبر بدهم.» بدین ترتیب مأموران به دستور قاضی امیرحسین مردانی، بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران تحقیقات خود را درباره این حادثه ادامه دادند تا اینکه چند ساعت بعد پسر جوان را هنگام برگشت به ساختمان بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس وقتی با مدارک و دلایل رویه‌رو شد در ادعایی عجیب گفت: «جسد متعلق به کارگر ساختمانی ما بود. او مدتی بود در ساختمان کارگری می‌کرد و معتاد به مواد مخدر هم بود. او همیشه سود مصرف می‌کرد و به سه تذکرات ما توجهی نمی‌کرد تا اینکه امروز صبح متوجه شدم بر اثر مصرف زیاد مواد مخدر داخل ساختمان فوت کرده‌است. وقتی با جسد او رویه‌رو شدم،



سارق قبرستان ار امنه باز داشت شد

سارق سابقه‌دار که یک‌ماه پس از آزادی از زندان با دستبند به قبرستان ار امنه، کابل‌های برق را سرقت می‌کرد، بازداشت شد.
به گزارش جوان، سرهنگ حسینعلی ابن‌علی، سرپرست فرماندهی انتظامی شهرستان کرج، هم‌زمان با طرح شکایت‌های مشابه درباره سرقت کابل‌های برق از قبرستان ار امنه حوالی خاورشهر که از اسفندماه سال گذشته مطرح شده بود، مأموران پلیس در این باره تحقیق کردند. دو شب قبل مأموران پلیس در جریان گشت‌زنی‌های هدفمند بود که متوجه شدند مردی داخل قبرستان خود را به بالای چراغ برق رسانده و در حال قطع کردن کابل‌های برق است که متهم را بازداشت و در بازرسی از وی مقدار زیادی کابل و تراس‌های سرقت شده کشف کردند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس گفت که یک ماه قبل از زندان آزاد و در این مدت مرتکب ۱۲قهره سرقت شده است.

کاردانش

حسین فصیحی

پیامدهای اطلاع‌رسانی نادرست

خودکشی کیومرث پورااحمد، هنرمند فقید کشورمان که ۱۶فروردین‌ماه در شهرستان انزلی اتفاق افتاد، تأثیر عمومی را به دنبال داشت. چرایی این اتفاق با توجه به جایگاهی که خالق قصه‌های مجید نزد افکار عمومی داشت، پرسشی بود که پاسخ قانع‌کننده‌ای به آن داده نشد. از آنجا که اظهار نظر در این باره متوجه پلیس و دستگاه قضایی بود، رسانه‌های رسمی هم تنها به گمانه‌زنی در این باره اکتفا کردند و از آنجا که خودشان در این باره قانع نشده بودند، بدیهی است که مخاطبانشان را هم در ابهام صورت گرفته نگذاشتند. اینکه حادثه‌ای با دربرگیری فراوان را بتوان حریم خصوصی تلقی کرد، مسئله‌ای است که از سوی پلیس و عدلیه پذیرفته شده، اما وقتی همان مسئله خصوصی به مسائل سیاسی پیوند زده می‌شود و باعث تحمیل هزینه به کشور می‌شود باید با مدیریت رسانه‌های هدایت شود. سکوت پلیس و ساختار قضایی در این باره، بار دیگر فرصت طلایی در اختیار رسانه‌های ماندگار داد تا از یک‌سو رسانه‌های رسمی کشور را در محاق نگه دارند و از سوی دیگر با سیاسی کردن یک موضوع دلیل محتاطانه عمل کردن در این شیوه از اطلاع‌رسانی، هزینه‌های همه اینها به این دلیل صورت می‌گیرد که ساختار اطلاع‌رسانی در پلیس و دستگاه عدلیه هنوز از خطوط مرزی که چهار دهه قبل برایش ترسیم شده، عبور نکرده است. این اولین و آخرین باری نیست که به دلیل محتاطانه عمل کردن در این شیوه از اطلاع‌رسانی، هزینه‌های بسیاری بر کشور متحمل می‌شود.

۲۵شهریور سال گذشته حادثه‌ای در پلیس امنیت اخلاقی تهران بزرگ اتفاق افتاد که ترجیح داده شد به همین شیوه با آن برخورد شود، اما مرگ مهسا امینی اتفاقی نبود که سکوت اطلاع‌رسانی پلیس و دستگاه قضایی را تاب بیاورد برای همین اتفاق‌های بعدی آن هزینه‌های جبران‌ناپذیری بود که بر کشور وارد شد و دامنه آن مشخص نیست تا چه زمان می‌خواهد ادامه پیدا کند. شاید باید شکل خدمت‌دهی در ساختار اطلاع‌رسانی پلیس و عدلیه، اینگونه باشد که همه اتفاق‌هایی که در بستر اجتماعی رقم می‌خورد مشمول مرور زمان می‌شود، اما قدرت شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌هایی که آن سوی آب، دریافت‌های خود را به راحتی از مدار این شبکه‌ها می‌گیرند، نشان داده است که از رسمیت انداختن رسانه‌های رسمی داخلی، چگونه می‌تواند بسترهای اجتماعی را اینگونه با چالش مواجه کند.

۲۷مردادماه سال گذشته، مأموران پلیس تهران موفق شدند سارق زورگیری را که انتشار فیلم زورگیری او در بزرگراه نیاپش باعث وحشت عمومی شده بود، بازداشت کنند.

متهم که مردی افغان به نام حسین پنج، پنج روز قبل از دستگیری در ترافیک بزرگراه نیاپش زنده پسو ۲۰۶را که زنی جوان بود با قفه تهدید و گوشی تلفن همراه او را سرقت کرده بود. با وجود اینکه هیچ سرخنی از متهم وجود نداشت، مأموران پلیس مورد موفق واقع شدند و متهم خود را بازنداشت کنند. ساعتی بعد از بازداشت متهم، دادستان تهران با وی و ششانی برهنه مصاحبه کرد. ۱۱روز پس از دستگیری متهم بود که دادستان تهران خبر داد حسین به اتهام محاربه مجرم شناخته شده‌است.

بنابراین پرونده در دادگاه انقلاب بررسی شد. مردافغان ۱۸شهریورماه در دادگاه انقلاب محاکمه و به اعدام محکوم شد. بعد از آن بود که طرح‌های ضربتی پلیس در برخورد با مجرمان در حال اجرایی شدن بود که مرگ مهسا امینی منجر به توقف آن شد.

آنچه در مورد اطلاع‌رسانی حادثه زورگیری بزرگراه نیاپش اتفاق افتاد، جایی برای ابهام باقی نگذاشت. رسانه‌های رسمی از ابتدا این امکان را پیدا کردند که با متهم، شاکي، پلیس و بازپرس پرونده در مورد اتفاق رقم خورده مصاحبه و اطلاعات و ابهام‌های مورد نظر را رقع کنند. رویه‌ای مرسوم که در مورد بسیاری از پرونده‌های جنایی مطرح است و تجربه نشان داده طرح موضوعاتی که افکار عمومی نیازمند دانستن آن است، خیلی به ساختار اطلاع‌رسانی دو نهاد مورد اشاره وارد نکرده است. اما اینکه چرا در برخی‌ها لازم از جمله مرگ مهسا امینی با خودکشی پورااحمد، مهارت لازم برای اطلاع‌رسانی در این باره وجود ندارد، پرسشی است که بی‌جواب مانده است.

مرگ مشکوک ۲دختر بررسی می‌شود

■ نوید نگار

مرگ مشکوک دو دختر ۳۸ و ۱۶ساله تهرانی که در دو حادثه جداگانه در خانه‌هایشان به طرز مرموزی به کام مرگ رفته‌اند، بررسی می‌شود.

شامگاه دوشنبه ۲۱فروردین قاضی امیرحسین مردانی، بازپرس ویژه‌قتل دادرسی امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک دختر جوانی باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.تیم جنایی داخل آپارتمانی مسکونی در محله باغ فیض تهران با جسد دختر ۳۸ساله‌ای رویه‌رو شدند که گفته خانواده‌اش سه طرز مشکوکی به کام مرگ رفته بود. یکی از اعضای خانواده گفت: «دخترم هیچ بیماری نداشت و افسرده هم نبود که تصمیم به خودکشی بگیرد. او سر حال و شاد بود. تا اینکه ساشی ستمی قبل به اتاقش رفت و دیگر بیرون نیامد. لحظاتی قبل او را برای امر صدا زدم، اما جواب نداد، به همین خاطر نظارتش کردم و به اتاقش رفتم و دیدم فوت کرده است. ما الان به مرگ دخترمان مشکوک هستیم و درخواست رسیدگی داریم.»

بدین ترتیب جسد دختر جوان هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه برای مشخص شدن علت‌اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.

■ خودکشی دختر ۱۶ساله

دومین مرگ مشکوکی که به قاضی مردانی اطلاع داده شد، ساعت ۸:۲۷صبح روز سه‌شنبه ۲۲فروردین‌ماه مرگ دختر نوجوانی بود که از سوی مأموران کلانتری پاسداران اعلام شد. با اعلام این خبر، بازپرس جنایی همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل و داخل اتاق با جسد حلقی اوپز شده دختر ۱۶ساله‌ای رویه‌رو شدند. اما مأموران پلیس در بررسی محل حادثه دست‌نوشته‌ای از دختر فوت شده پیدا کردند که در آن نوشته بود از شرایط زندگی‌اش خسته شده و دوست ندارد زنده بماند. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد دختر فوت شده از مدتی قبل همراه پدر و مادرش که سرابدار هستند در اتاق سرابداری آپارتمان مسکونی زندگی می‌کرده تا اینکه چند ساعت قبل پدر و مادرش از خانه بیرون می‌روند و وقتی به خانه بازمی‌گردند با جسد دخترشان رویه‌رو می‌شوند و موضوع را به پلیس خبر می‌دهند. هم‌زمان با تحقیقات درباره این حادثه برای روشن شدن زوایای پزشکی قانونی منتقل شد.